

گفت‌وگوی «جام‌جم» با سعید مقدم‌منش
صداپیشه و مدیر دوبلاژ سیما

پیشکسوتان، هویت دوبلاژ ما هستند

در سریال افسانه جومونگ، قبل از هرگونه زرق و برق لوای امپراتوری، پدری نگران و دغدغه‌مند فرزندانش بود. در دنیای واقعی هم همین‌طور است. در لابه‌لای تمام محبت‌ها و طنین صدایش به راحتی می‌شد حدس زد نگران آینده فرزندانش در صنعت هنر دوبله است. ابتدا با کمی دلخوری البته با چاشنی نگرانی از آینده سر صحبت را باز کرد ولی

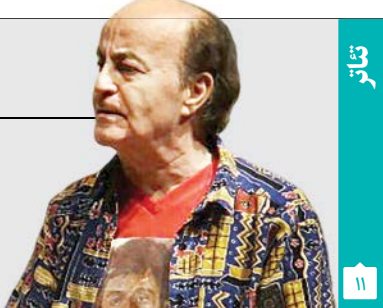
رفته رفته، از سالیان عمری گفت که پای میکروفن برای مردم خاطره ساخته است.

گفت‌وگوی «جام‌جم» با رضا فیاضی

برخی آثار نمایش خانگی
خشونت را ترویج می‌کند

نگاهی به تعهد اجراگران به مخاطبان

آنان که نمی‌گذارند
چراغ تئاتر خاموش شود



یادداشت

اهالی هنر! شما هم متهمید به کم‌کاری

توپ را به زمین دیگران نیندازید

فرهنگ‌سازی از آن
دست‌واژه‌های

ملموسی است که این روزها بسیار از آن سخن می‌رود. زیاداند مسئولان فرهنگی و غیرفرهنگی که با پرزور هر بحران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به سرعت به این واژه پناه می‌برند و اصطلاح «باید فرهنگ‌سازی شود،

فرهنگ‌سازی نشده است، می‌خواهیم فرهنگ‌سازی کنیم و ...» را در مصاحبه‌ها و حین سخنرانی از جلسات‌شان به‌کار می‌برند.

فرهنگ‌سازی پدیده‌ای است که در آن، جامعه تلاش می‌کند فکر یا کنش خاصی را به ارزش و هنجاری پذیرفته‌شده و فرهنگی تبدیل کند. فرهنگ‌سازی عمدتاً از طریق واسطه‌های فرهنگی در سه مرحله تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی مربوط به خلاقیت‌های بشری در عرصه هنر و دانش صورت می‌پذیرد و در این حیطه هنرمندان نقش بسزایی را به عهده دارند.

هنر به واسطه ارتباط تنگاتنگی که از ابتدای تاریخ به زندگی بشری داشته و دارد محور اصلی آموزش و پرورش است و نقش بسزایی در فرهنگ‌سازی در همه مراحل اندیشه‌پردازی، ارزش‌گذاری، هنجارسازی، نمادسازی، جامعه‌پذیری و الگوسازی و نوآوری رفتاری دارد.

در ایام که اعتراضات فضای ملت‌پی رادر جامعه ایجاد کرده است، داشتن به این می‌اندیشیدم که چقدر جای فرهنگ گفت‌مان در کشور ما خالی است.

چقدر این روزها برقراری یک گفت‌وگوی سالم و بدون تنش حتی در درون خانواده سخت شده است.

چقدر سخت و تنش‌زاست با کسانی که دیدگاه‌شان، زاویه جدی با دیدگاه ما دارند ارتباط برقرار کنیم.

چقدر جامعه ما درگیر است و... چقدر دلمان برای یک گفت‌وگوی بدون دعوا و تنش در جامعه تنگ شده است.

چرا ما بلد نیستیم اعتراض کنیم و چرا کسی صدای اعتراض‌مان را نمی‌شنود. به دنبال حلقه واسطه، ناگهان بیانیه «استغفای اعضای کانون نمایشنامه‌نویسان و مترجمان تئاتر ایران» نظرم را به خوش جلب کرد.

مینوختانی
آرژوه فرهنگ و هنر

در حجم انبوه رسانه‌های رسمی و غیررسمی غرق شده‌ایم، در حجم انبوه خبرهای ضد و نقیض دست و پا می‌زنیم؛ خبرهایی که منابع آن هر روز موضعی جدید درباره موضوعات مختلف اتخاذ می‌کنند، سرگردان میان باور، درک و دریافت و انتخاب حیرانیم. از هر سو صدایی برخاسته‌است، نمونه اخیر آن همین فوتبال.

یک روز تیم ملی ایران آن قدر بزرگ و پراقتدار و افتخارآفرین است که هر کس با خود فکر می‌کند اگر با آن همسو نشود، نیز همین سوالات را از هنرمندان دارد. واقعا از هنر این سرزمین چه مانده؛ مثلاً درام‌نویسی ما چه داریم که به آینه‌نگان بسپاریم؟ ...» جملات‌شان درست بود، اما جالب آن‌که جامعه نیز همین سوالات را از هنرمندان دارد. واقعا از هنر این سرزمین چه مانده؛ مثلاً درام‌نویسی ما چه داریم که به آینه‌نگان بسپاریم؟ واقعا تعجب می‌کنیم از استغفای هنرمندانی که در شعار، هنر را نه برای نان و نه برای نشان، بلکه برای مردم می‌خواهند اما در عمل قافیه را به این راحتی می‌بازند و به جای پذیرش کم‌کاری‌ها و تلاش برای شروعی دیگر برای فرهنگ‌سازی، توپ را به زمین دیگری می‌فرستند و خود را از همه وظایف رها می‌کنند. مگر نه آن‌که وظیفه اصلی هنرمند، فرهنگ‌سازی و آموزش فرهنگ و ارزش‌هاست و اگر در این مسیر خلی وارد شود، آنها هم متهم هستند.

مگر هنر، وظیفه‌ای مهم‌تر از فرهنگ‌سازی دارد؟ مگر نه این‌که هنرمند در طول تاریخ، در همه بحران‌ها و در همه کشورها، طراح‌ی شوه‌های جدید و تاثیرگذار آموزش براساس شرایط است؟

هنرمند امروز در فقدان راه‌های پذیرفته شده برای گفت‌وگو و نیز فقدان تمایل برای گفت‌وگو مقصر است. در نبود فرهنگ اعتراض در جامعه تصویر دارد. هنرمند مقصر است که مردم و مسئولان رفتار تنش‌زا دارند، چون از وظیفه اصلی خود یعنی همان آموزش و پرورش، غافل بوده و شاید هم راه را اشتباه رفته است.

هنرمندان محترم تئاتر، بیایید توپ را به زمین همدیگر نیندازیم. بیایید اشتباهات‌مان را بپذیریم و به دور از همه هیاهوها و فشارها، کمی هم به کارکردهای فرهنگی خودمان بیندیشیم تا ببینیم ما چقدر در نبود فرهنگ اعتراض در جامعه مقصریم.

مردم ایران «شاهدان تاریخ» نمی‌خواهند. مردم، هنرمند متعهدی می‌خواهند که مسئولیت اشتباهاتش را بپذیرد.

می‌کنند، برخی رسانه‌های داخلی و خارجی فارسی‌زبان آن را نمی‌کنند. البته بدون سند و مدرک. اما سلاح مقابله با این جنگ روایت‌ها یا جنگ نرم چیست؟ مسلماً دفاع/ قدرت نرم یا دیپلماسی فرهنگی. اما دیپلماسی فرهنگی یعنی چه؟ در تعریف کوتاه آن آمده‌است که دیپلماسی فرهنگی شامل «تبادل اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر، زبان و سایر جنبه‌های فرهنگی میان

کشورها و مردمان آنها به منظور تقویت درک متقابل» است. هدف دیپلماسی فرهنگی این است که فرصتی برای درک درست از آرمان‌ها و رسم و رسوم مردم یک کشور ایجاد کند تا بر مبنای آن، اهداف اقتصادی و سیاسی در سطحی گسترده به ثمر برسد. دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در دستیابی به سطوح بالای امنیت ملی دارد.

حال چه کسانی می‌توانند و باید در این حرکت فرهنگی نقش داشته‌باشند؟ مسلم است یکی از مهم‌ترین بازوهای این حرکت، رسانه‌ها هستند؛ چرا که رسانه نه فقط قوای چهارم است، که واسط بین مردم و دولت

به حساب می‌آید و در این راستا، اتحاد موضع در خصوص هر موضوعی باعث باورپذیری و تقویت اثر امر در داخل و حتی خارج کشور می‌شود، و باز مسلم است در فضای عمومی و شرایط موجود در

۳۰۰۰ سال گذشته اشتباه کرده و باید آن را جبران کند، باید ما را به تامل بیشتر درباره غرب وادارد؛ چرا که کسی از میان همان جامعه کسی که سرد و گرم روزگار را در آن فضا چشیده‌است چنین اقارری می‌کند؛ اقارری که شاید هر آدم با انصافی که تجربه حضور و زندگی در غرب را داشته‌باشد، آن را تایید می‌کند.

این‌که مسئولان دولتی قطر دریافته‌اند حضور خبرنگاران رسانه سعودی ایران اینترنشنال در ایام برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال به صلاح نیست و از ورود آنها جلوگیری کرده‌اند، قطعاً حضور رسانه‌های ایرانی در صحنه فوتبال جام جهانی یک دستاورد ملی است که باید همچون حضور تیم ملی در مسابقات ارج گذاشته و همچون ابزار قوی دیپلماسی فرهنگی به آن نگریسته شود.

یا در زمانی که مسئولان رسانه انگلیسی بی‌بی‌سی فارسی دریافته‌اند حضور آنها در این ایام به صلاح‌شان نیست و آب آن قدر آلوده نیست که آنها همچون همیشه ماهی خود را از آن بگیرند، باید از حضور رسانه‌های ایرانی در ایام برگزاری مسابقات خوشحال باشیم و باور کنیم در این حضور، صدای ما می‌تواند و باید بلندتر و رساتر باشد و بتوانیم از این طریق حضور پرقدرت ایران سرافراز را بر رنگ‌تر کنیم و فراموش نکنیم قدرت تیم ملی با حمایت مردم به طور تصاعدی افزایش پیدا می‌کند.

پس اگر خواهان پیروزی در صحنه جنگ روایت‌ها هستیم و می‌خواهیم پرچم سه رنگ پرغرومان یک بار دیگر در صحنه بین‌المللی برافراشته شود، نه در زمین رسانه‌های معاند بازی کنیم و نه در تضعیف جایگاه و روحیه کسانی که در این زمینه در تلاشند.

ویژه

نگاهی به چالش‌های موسسه‌ای
به نام «خانه سینما»

ماجرای تخم‌مرغ‌های
یک مرغ خیالی!

در صحنه‌ای از فیلم «آنی‌هال» ساخته وودی آلن، شخصیت اصلی داستان به نام آلوی سینگر (که خود وودی آلن نقشش را بازی می‌کند) مشغول تعریف‌کردن یک جوک است.



آخرین مصاحبه‌های
زاهدی روی آنتن

مستند سینمایی «داستان یک جدایی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی احمد شفیع‌ی که به واقعه تاریخی جدایی بحرین از ایران می‌پردازد...

۷

چرا در هزاره سوم و عصر اینترنت هم هنوز برخی فریب رمال‌ها را می‌خورند؟

جولان رمال‌ها
در دنیای مجازی



۱۲

نگاه

نتیجه اتحاد ملی، پیروزی در صحنه جنگ روایت‌ها



این‌که مسئولان
دولتی قطر
دریافته‌اند
حضور خبرنگاران
ایران اینترنشنال
در ایام برگزاری
مسابقات
جام جهانی فوتبال
به صلاح نیست
یک دستاورد ملی
است

